

تفسیر قرآن و تاریخچه آن

۳

علمی که بدنبال قرآن پدید آمد

اشارت رفت که آنچه ثابت و غیر قابل خدشه است و اساس کار دین ، و آئین است قرآن مجیدی باشد و ناچار مسلمانان باید به آن اهمیت می دادند و آیات و کلمات آن را بدرستی درمی یافتند و با دقت کامل احکام و فرمان های آن را بررسی می کردند تا بتوانند نیازمندیهای اخلاقی و عبادی و اجتماعی خود را از آن بیرون آورده عمل کنند و این کار نیاز به فنون ادب عربی داشت . بنابراین ، فنون ادب ، یعنی : لغت ، اشتقاق ، نحو و صرف ، معانی و بیان ، مورد توجه قرار گرفت ، بدنبال آن ، علوم فقه ، حدیث و بتدریج علم اصول پدید آمد بنای کار معانی و بیان مضافاً بر جنبه های معنوی و تمییز ضابطه و قاعده برای درک درست مفاهیم قرآن جنبه های اعجازی قرآن بشوده است که فرماید : « ان کنتم فی ریب مما نزلنا علی عبدنا فأتوا بسورة من مثله » که آیه تحدی گویند . پس معانی و بیان را وضع کرده اند که جهات بلاغی و اعجاز قرآن را باضافه فصاحت آن در موارد مختلف بیان کنند در علم معانی و بیان هم جنبه های لفظی و جمله بندی قرآن مورد بحث قرار می گیرد .

از نظر کلمات و جملات و هم جنبه های معنوی آن ، از جهت بلاغت قرآن ، مثلاً آیه : « و لکم فی القصاص حیوة یا اولی الالباب » از دو جهت

مورد بحث قرار می گیرد : یکی از جهت فصاحت و ترکیب آیه و دیگری از جهت بلاغی و افاده معنی و اینکه این آیه بلیغ تر و فصیح تر است از جمله معروفی که گفته اند : « التل اغنی للقتل » و علم قرائت قرآن و احکام معنی قته بوجود آمد و چنانکه خواهیم گفت یکی از علوم مهمی که در عالم اسلام از برکت و بدنیال قرآن بوجود آمده علم کلام است .

نیازمندی مسلمانان به فهم و درک قرآن و توضیح مطالب آن ، اساس کنجکاوهای آنان در باره آن شده است و چنانکه محققان گفته اند تماسی که مسلمانان در قرن اول با ملتهای دیگر داشتند بسیاری از مسائل تازه پدید آورد که مایه تفکر در تمام شئون آنها گردید .

در باب علم حدیث اعتقاد بر این است که علم حدیث شریفترین علوم است . در اواسط قرن دوم ، احادیث که عبارت از گفتار و کردار پیغمبر است همه ثبت شد و در این بین احادیث بسیاری ، نیز جعل گردید چنانکه گویند : این ای الموحا در حدود چهار هزار حدیث جعل کرده است و همین طور ای هریره معروف احادیث بسیاری جعل کرد .

و اصولاً علم حدیث از همین جا سرچشمه می گیرد ، متدجاً کتب احادیث مانند کافی محمد بن یعقوب کلینی کتب دیگر و صحاح ست اهل سنت و جماعت پدید آمد این کتب مجموعه اخبار نبوی را که بنظر این دانشمندان صحیح و قطعیة الصدور آمده است گردآوری کرده اند و از همان زمان قدیم جزء کتب مقدسه بحساب آمده است . در قه شیعه مدار کار ، کتاب کافی کلینی ، سپس من لایحضره الفقیه ابن بابویه ، وافی فیض و کتب دیگری از متقدمان و وسائل الشیعه از متأخران است .

از شهزار یا بیشتر آیات قرآنی ، در حدود دویست آیه است که آیات الاحکام نامند که اغلب در سوره دوم و چهارم قرآن است .

این نصوص ، یعنی آیات قرآنی و بعضی از اخبار همه موارد حقوقی و جنائی و سیاسی را بصورت اصول و کلیات بیان کرده است .

البته می دانیم که باستان آنچه گفته شد یعنی اینکه اخبار و روایات قطعیة الصدور وافی با حکام نیست و مسائلی دیگر موجب شده است که اجماع و عقل نیز به مستندات احکام شرعی افزوده گردیده و در روش فقاهی اهل سنت و جماعت قیاس نیز معتبر شناخته شود و احياناً بجای عقل ، در فقه جعفری ، آنان قیاس را مالک کلام قرار دهند و در باب قیاس باید گفت که ابوحنیفه نعمان بن ثابت پیشوای مکتب عراق زیادتر از مذاهب دیگر بدان توجه کرده است بطوریکه از روش کار او ، بدست می آید ، ولی از لحاظ دوری از منبع وحی یعنی مدینه ، بیشتر متوجه قیاس شده است و به اخبار کمتر اعتماد کرده و بر خلاف مالک ابن انس پیشوای مکتب مدینه (۹۷-۱۷۹) که در مرکز وحی زندگی می کرد باخبار و احادیث اعتماد زیادتری داشت کتاب الموطاء مالک از قدیم ترین کتب حدیث است که شامل یک هزار و هفتصد حدیث تشریحی است مابین این دو مکتب مدینه و عراق مکتب سومی پدید آمد بنام مذهب شافعی . به پیشوایی محمد بن ادریس شافعی ۱۵۰ هـ ق ، وی شاگرد مالک بود پس از مذهب شافعی مکتب قهوی دیگر بریاست احمد بن حنبل بوجود آمد این شخص از شاگردان شافعی است وی توجه زیادی باجماع داشت لکن مهمترین مذهب قهوی که در تمام شئون اخلاقی و عبادی و اجتماعی بحث می کند مکتب جعفری است به پیشوایی امام جعفر صادق علیه السلام مکتب حضرت صادق از جهات قهوی و از این جهت که امام و از هو دمان حضرت رسول اکرم (ص) است در متن دین اسلام تربیت شده است از همه مکتبهای دیگر قوی تر است خود بسیاری از مشکلات قرآن را تفسیر کرده و اصول احکام و قواعد آن را استخراج کرده است . حوزه درس او از تمام حوزههای دیگر گرمتر و شاگردان مکتبش بر سایر جویندگان قه و حدیث

مزیت و برتری خاصی داشتند. بحث در حقانیت و امامت وی اکنون از عهدہ این مقاله خارج است بطور خلاصه باید گفت علوم ادبی، مانند نحو، صرف، اشتقاق، لغت، معانی و بیان، فقه، حدیث و اصول، همه بدنبال قرآن بوجود آمده است.

اصول فقه

اصول فقه یکی از علوم مستحدثه است و بطور قطع در صدر اسلام وجود نداشته است و بمجموعه قواعد مستخرجه از آیات و اخبار گویند، که در هنگام استنباط احکام شرعی از مستندات و ادله مخصوص، مانند قرآن و اخبار و اجماع و عقل بکار آید.

دانشمندان اسلام در هنگام بحث و تحقیق در مسائل فقهی و دینی به آیات و اخباری برخوردند که از لحاظ دلائل بر احکام یا مجمل بوده، یا متشابیه، یا عام، یا خاص، یا مطلق، یا مقید و نیز به مواردی برخورد کردند که دلیل شرعی صریحی برای حکم و بیان آن نبود و بدین جهت ناچار شدند که اولاً برای استنباط مواردی که نص بر آن، وجود نداشت و ثانیاً برای تعیین تکلیف عموماً، مجملات و نسخ و منسوخ و جز آنها قواعدی مقرر دارند و در آن قواعد حدود و ارزش هر یک از اخبار و آیات را معین کنند و بر این اساس، قواعدی نهادند بنام اصول فقه. پس اصول فقه مجموعه قواعدی است که در طریق استنباط احکام شرعیه بکار آید.

در اصول فقه، روش قدما بر این بوده است که ابتداء الفاظ را مورد بحث قرار دهند از لحاظ دلالت بر معنی تا بدین وسیله تکلیف الفاظ و عبارات آیات و روایات را نخست معین کنند و سپس به جنبه‌های معنوی آن بپردازند.

و بدین طریق ابتدا بحث در این کرده‌اند که الفاظ یا مقایسه بامعنی، جزئی یا کلی است و کلی هم، یا متواظی است و یا مشکک است. (رجوع شود به کتاب معالم الاصول) و گفته‌اند هر گاه الفاظ و معانی متکثر باشد، مقیاسین‌اند و اگر الفاظ متکثر باشد و معنی یکی مترادف نامند و اگر معانی متکثر باشد

و يك لفظ همه آنها را افاده كند مشترك نامند و هر گاه آن لفظ در یکی از معانی بالا ساله بکار برده شده باشد و موضوع برای آن باشد و در معانی دیگر بالتبع و بسبب یکی از روابط و علاقات بکار برده شود، حقیقت و مجاز نامیده می شود و هر گاه در یکی از معانی غلبه یافته باشد منقول خواهد بود. منقول هم یا عرفی، یا لغوی و یا شرعی است. بدین طریق یکدسته از اصطلاحات و لغات منقول شناخته می شوند که از معانی اصلی خود خلع شده اند و در معانی دیگر بکار رفته اند و بحثی جالب بوجود می آورد در باب حقیقه لغویه، عرفیه و شرعیه.

در باب حقیقه شرعیه اختلاف می شود مانند الفاظ: صلوة، سوم و زکوة و جز اینها که معانی لغوی آنها در شریعت منظور نیست پس از بحث در نوع استعمال الفاظ قرآن و احادیث، بحث در امر ونهی می شود تا تکلیف اوامر و نواهی اخبار بدرستی روشن شود.

بحث امر ونهی بدین طریق آغاز می شود که آیا اوامر حقیقت در وجوبند یا حقیقت در ندب و یا اصولاً حقیقت در فقد مشترك بین آن دو که همان طلب باشد نهایت طلب و خواست دو فرد دارد یکی وجوب و دیگری استحباب.

و این بحث، از اینجا ناشی می شود که بعضی از اوامر قرآنی بطور قطع، دلالت بر وجوب و خواست حتمی دارد مانند: «و اذقلنا للملائكة استجدوا لادم فسجدوا الا ابليس ابى واستكبر» و آیات «اقیموا الصلوة و اتوا الزکوة» و «اعدلوا هو اقرب للتقوی» البته مستند استدلال بر وجوب مفاد امر، این آیات نیست. زیرا پس از اثبات اینکه امر دلالت بر وجوب می کند از این آیات، وجوب فهمیده می شود بلکه مستند آنها یکی آیه اول است و دیگر خطاب باینکه «ما منک الا استجد از امر تک» و دیگر «فلیحذر الذین یخالفتون عن امر ان تعصم قننه او یسببهم عذاب الیم» و دیگر در مقام مذمت گوید: «و اذا قبل لهم اذکموا الا یرکمون»

سپس بحث در تکرار و مره امر می شود باین معنی: آیا او امر قرآن و اخبار دلالت بر مره می کند و یا تکرار و این بحث از اینجا ناشی می شود که بعضی از احکام مانند نماز و روزه باید تکرار شود و بعضی دیگر یکبار کافی است نظیر حج . سپس بحث در فور و تراخی می شود بر این اصل که آیا مفاد امر را باید فوراً انجام داد یا می توان تأخیر انداخت و در موقع دیگر انجام داد از ثمرات این بحث مسائلی است که بطور دقیق بررسی شده است مانند واجب موع و مضیق ، واجب عینی ، کفائی ، تعیین و تخییری و غیر اینها . و بحث در مقدمات واجب و حرام نیز بمیان می آید در باب نواحی قرآن نیز همین مباحث پیش می آید باضافه بحث در اجتماع امر و نهی ، که موردی خاص ، از جهتی مأموریه و از جهتی منهی عنه باشد مانند نماز در مکان فحشی . بحث در این مورد پیش می آید بر این اساس که ، آیا معلق کردن امر و یا مطلق حکم بر شرط دلالت بر نفی حکم می کند در آن هنگام که شرط منتفی شود بمبادرت دیگر مفهوم خطاب حجت است یا نه و آن حکمی است که از کلام فهمیده می شود التزاما و بالتبع نه بالاصاله ، در مقابل منطوق خطاب مانند مفهوم از آیه « ولا تقل لهما اف » که دارای دو حکم است : یکی صریح و منطوق و دیگر بالتبع و مفهوم ، گفتار تحقیقی اینست که آوردن شرط و وصف حکمی دارد و آن وجود مفهوم است و الا لازم آید که شرط و وصف لغو باشد چنانکه « من استطاع الیه سبیلا » در آیه حج دلالت دارد بر اینکه حج واجب است بر آنانکه استطاعت مالی دارند و بر آنان ندارند زیارت خانه خدا واجب نیست .

و بحث دیگر : اینکه تقیید حکم بر فایده آیا دلالت دارد که ما بعد فایده مخالف با ما قبل آفتست یا نه ؟

تحقیق ، این است که دلالت دارد . مثلاً اگر گفته شود « صوموا الی اللیل » مسلم دلالت دارد که در ما بعد آن یعنی شب واجب روزه نیست چنانکه در قرآن است « اتموا الصیام

الی اللیل ، و همین طور است روایت «فی السائمة زکوة» که در حیوان غیر سائمة زکوة واجب نیست البته این امر داخل در مفهوم وصف است .

و آیا اصولاً امر به فعل مشروط جایز است اگر چه آن شرط محال باشد و یا عدم آن مسلم باشد ، در آینده یا نه ؟ و این بحث مربوط به داستان ابراهیم خلیل است که خداوند ، امر بذبح اسماعیل فرمودند در حال که می دانست ، این امر تحقق پیدا نخواهد کرد ، در این مورد عده ای گویند جانر است در صورتی که در مقام امتحان باشد و حدود ایمان او را بخواهد بیازماید چنانکه فرمودند : «فنادیاه ان یا ابراهیم قد صدقت الرؤیا» بحث دیگر اینکه هرگاه مدلول امر منسوخ شود ، و از وجوب ساقط گردد آیا جواز آن همچنان باقی می ماند یا نه . بحث دیگر در سیخ عموم است و اینکه چه کلمات و چیزهایی در زبان عرب دلالت بر عموم می کند .

بحث در اینکه آیا خطابات مشافهه مانند «یا ایها الناس» و «یا دایها الذین آمنوا» آیا شامل غائبین و بلکه معدومین هم می شود یا نه ؟ و تحقیق این معنی که چون احکام قرآن جنبه عمومیت دارد اینگونه خطابات تنها توجه حاضرین نیست بلکه عام است و شامل غائبین و بلکه معدومین در حال خطاب هم می شود و بحث در اینکه عمومات را تا چه اندازه می توان منحصر کرد ، آیا تاموقعی که حتی يك فرد یا دو فرد هم بیشتر تحت عموم نماند می توان منحصر کرد یا نه ؟ و دیگر اینکه اگر عامی گفته شود و مراد از آن خاص باشد آیا مجاز است یا حقیقت ؟ و آیا قبل از تحقیق و تفحص از وجود منحصر می - توان بعام استدلال کرد و آن را مورد عمل قرار داد یا نه ؟ و یا چون اغلب ، یا تمام عمومات تخصیص خورده اند ، حتماً نخست باید از وجود منحصر تحقیق کرد و سپس بدان عمل کرد .

(ناتمام)